

## بررسی تاثیر فرهنگ یادگیری در مدرسه با رویکرد سازنده گرایی

عارف محمدی ۱، مهدی همتی نژاد ۲، معصومه فرحناک ۳ و بتول کمری ۴

۱آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان اسلام بادغرب

۲کارشناس ارشد تاریخ تشیع

۳کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

۴مربی پیش دبستانی آموزش و پرورش منطقه گاور

### چکیده

فرهنگ یادگیری جزئی از فرهنگ سازمانی و مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها و فعالیت های درون سازمانی که از فرایند مستمر یادگیری سازمانی و اعضای آن حمایت و آن را تشویق می کند. بررسی فرهنگ یادگیری و نقش آن در مدرسه ها از موضوعات در حال رشد در ادبیات آموزشی است. همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی، تعریف واضح، همه پسند و هماهنگ از فرهنگ یادگیری در مدرسه وجود ندارد. از این رو می توان گفت که، فرهنگ هم محصول و هم فرایند است. فرهنگ به عنوان یک محصول، تجسم آگاهی متراکم از اعضای گذشته سازمان است، اما فرهنگ به عنوان یک فرایند به طور مستمر تجدید شده و به وسیله اعضای جدید که راه های قدیمی را طی می کنند، دوباره خلق می شود. ایده اصلی سازنده گرایی این است که دانش به عنوان فرایند و نه محصول، امری موقتی، رشدی، اجتماعی، فرهنگی و غیرعینی بوده، خلق کردنی است به جای کسب کردنی و توسط فرد و از طریق تعامل او با محیط و کسب تجربه به صورت انفرادی یا اجتماعی ساخته می شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل فردی، عوامل سازمانی، عوامل آموزشی، محیط غنی با نشاط و پویا، حمایت، هماهنگی و انسجام در فرایند، عاملیت و استقلال افراد، چگونگی طراحی مناسب برنامه های آموزشی، کیفی گرایی و دوری از چهارچوب های رسمی غیر قابل انعطاف آموزشی، بهبود فعالیت های گروهی و ارتقای مشارکت دانش آموزان در برنامه های آموزشی، اثربخشی آموزشی، تربیت شهروند فرهیخته و تسهیل انطباق پذیری با محیط و دنیای واقعی به عنوان مهمترین مولفه های فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده گرایی اجتماعی در مدارس شناسایی شدند.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، یادگیری، سازنده گرایی، مدارس

**۱- مقدمه**

فرهنگ مثبت یادگیری در مدرسه کارایی و بهره‌وری مدرسه را بهبود می‌بخشد. در مدارس با فرهنگ‌های یادگیری منفی با روند دلسرد کننده، کارکنان هدف‌های جداگانه دارند، هیچ درکی از تعهد به رسالت انجام یادگیری در مدرسه احساس نمی‌کنند و انگیزه اندکی برای بهبود یافتن فرآیند یادگیری دارند (۱). در مدارس با فرهنگ یادگیری قوی، کارکنان در هنجارهای پایدار تحصیلی و بهسازی سهیم هستند، ارزش یادگیری دانش آموز بیش از راحتی شخصی است و تصور می‌شود که همه بچه‌ها بتوانند مهارت یادگیری خود را ارتقاء دهند (۲). در واقع، فرهنگ مدرسه عامل پیوند دهنده‌ای است که معلمان، والدین و مدیران برای نگاهی هماهنگ به شیوه‌ها و سنت‌های محلی (منطقه‌ای) خود برای افزایش فرهنگ یادگیری دانش‌آموزان، نیازمند آن هستند (۳). در مدارس قوی فرهنگ یادگیری، همکاری برای حل مسئله، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای دستیابی اطلاعات را تقویت می‌کند (۴).

در خصوص فرهنگ یادگیری و تدریس، رویکردهای متعددی با توجه به خاستگاه‌های مختلف آن مطرح شده است. گاه رویکردهای یادگیری را بر اساس دیدگاه روانشناسی یادگیری زیربنایی آن نامگذاری می‌کنند. یکی از نظریه‌های جدید یادگیری، نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی است که ریشه در اندیشه پیاز، ویگوتسکی، روانشناسان گشتالتی، بارتلت و دیویی دارد. این نظریه برخاسته از فلسفه نسبت‌گرایی است که در آن هر چیزی نسبت به چیز دیگر دوری می‌شود (۵). پیروان این نظریه بر آن اند که یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود دانش را می‌سازند و این کار را به طور فعال انجام می‌دهند. در رویکردهای ساختن‌گرایی، دنیای ذهنی فراگیر اهمیت خاصی دارد، زیرا فراگیر اطلاعات را به درون برده و آنها را به روشهایی پردازش می‌کند که بازتابی است از نیازها، آمادگیها، نگرشها، باورها و احساسات او. بنابراین، ساختن‌گرایی به تولید معنی از تجربه باور دارد (6) در الگوی سازنده‌گرایی اجتماعی، فرآیند دانستن، ریشه در تعامل اجتماعی دارد. یعنی اینکه دانش فرد از جهان که به تجربیات شخصی او محدود گردیده است - از طریق تعامل (زبان) با دیگران میانجی می‌شود. بنابراین، دانش هرگز منفعلانه به دست نمی‌آید، زیرا نو و تازگی فقط از طریق جذب ساختار شناختی به موضوع تجربه شده‌ای که قبلاً وجود داشته است حاصل می‌شود. در واقع، یک تجربه تازه و نو درک نمی‌شود، مگر آنکه آشفته‌گی نسبتی را در نتیجه مورد انتظار ایجاد کند. فقط در چنین شرایطی ممکن است تجربه به انطباق منجر شود؛ بنابراین ساختار مفهومی بدیع مجدداً یک تعادل نسبی را ایجاد می‌کند و توجه به این نکته ضروری است که اصلی‌ترین منبع برای رشد کننده، تعامل با دیگران است (7).

رویکرد سازنده‌گرایی بر مبنای انسان شناختی ویژه‌ای استوار است و تصویری که سازنده‌گرایی از انسان ارائه می‌دهد، با دیگر نظریه‌ها متفاوت است. نظریه سازنده‌گرایی نظریه‌ای معرفت‌شناسانه است که انسان‌شناسی در آن از جنبه شناختی و معرفتی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت توجه به فرهنگ یادگیری بر اساس رویکردهای جدید یادگیری مانند رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی در مدارس، اتخاذ و انتخاب به جای هنجارها در مدرسه توسط مدیر مدرسه در ایجاد انگیزه دانش‌آموزان برای پیشرفت تحصیلی تاثیر بسیار زیادی دارد. لذا با توجه به اهمیت فرهنگ یادگیری در مدارس به عنوان جزئی از اصول پایه و مسائل مهم برای تمامی ذی‌نفعان مدرسه، پژوهش حاضر قصد دارد یک الگوی کاربردی فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی متناسب با مدارس را پیشنهاد دهد.

**۲- فرهنگ یادگیری در مدرسه**

فرهنگ عبارت است از کلیه یافته‌ها، آموخته‌ها، ساخته‌ها و پرداخته‌های یک جامعه در زمینه‌های مادی و معنوی که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا واقعاً فرهنگ به صورت موجود خود از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. یا اینکه هر نسلی آن را می‌آموزد و می‌پروراند و مجدداً می‌سازد، آنگاه به نسل بعدی منتقل می‌کند؟ این همان چیزی است که ما به آن فرهنگ پویا می‌گوییم، و فرهنگی پویاست که آموزشی پویا داشته باشد، زیرا بدون آموزش، هیچ یافته‌ای پرداخته نمی‌شود و تحولی در آن به وجود نمی‌آید.

هنگامی که سازمان و جامعه ای ایجاد شود پایه های فرهنگ آن نیز پی ریزی شده و در طول زمان و به مرور شکل می گیرد. بنابراین فرهنگ همیشه و در همه جا حضور دارد. گروه، جامعه و سازمان همواره با مشکلاتی روبرو بوده و به گونه ای مختلف نسبت به این مشکلات فکر، احساس و عمل کرده است. بر این اساس، افراد گروه ها و ملت ها در برابر مشکلات مشترکی قرار می گیرند که برای حل آن ها به همکاری و تشریح مساعی نیاز دارند. واقعیت این است که همه مشکلات را می توان به دو دسته خلاصه کرد:

- انطباق با محیط خارجی

- مدیریت یکپارچگی داخلی

فرهنگ سازمان را می توان پاسخ های مبتنی بر یادگیری تلقی کرد که آن ها، راه انطباق خارجی و یکپارچگی داخلی را نشان می دهند. هنگامی که اعضا برای حل مشکلات و انطباق با محیط خارجی و مشکلات داخلی تلاش می کنند. ناخودآگاه به یادگیری اقدام کرده اند. به این دلیل که از جهت نظریه پردازی یادگیری و حل مسائل نه تنها متفاوت نیستند بلکه باید گفت با دیدگاه های متفاوت، فرایند یکسانی دارند (۸).

پیشرفت و یادگیری در مدرسه به صورت اتفاقی گسترش نمی یابد. در بررسی مدارس که فرهنگ آموزشی قوی را ایجاد کرده اند مشخص شد که مدیران این مدارس مراحل خاصی را برای ایجاد آن طی کرده اند. مدیران معلمان مدارس خود را برای دست یابی به شایستگی و اعتمادبه نفس در راه کسب دانش و یادگیری رهبری کرده اند (۹).

یادگیری از اصلی ترین و مهم ترین وظایف مدرسه است. مدرسه توسعه نخواهد یافت مگر اینکه کارکنان مدارس به ویژه معلمان به یادگیری مادام العمر بپردازند. هالی و سات ورت (۲۰۰۵) پس از سال ها تجربه فعالیت با معلمان و مدارس، به این نتیجه رسیده اند که مدارس توسعه نخواهند یافت، مگر اینکه کارکنان مدارس و به ویژه معلمان مفهوم یادگیری را مورد توجه و پذیرش قرار دهند. بر اساس مطالعات انجام داده در مدارس ابتدایی و متوسطه عوامل اصلی ایجادکننده محیط یادگیری در مدارس را، فرهنگ مدرسه، ساختار، منابع و رهبری عنوان کردند (۱۰). بارنت (۲۰۰۱) به بررسی فرهنگ یادگیری مدرسه پرداخته است. که در آن به عناصر، انگیزه درونی برای یادگیری، توجه و مساعدت مدرسه، انتظارات شخصی معلم از توانایی تعلیم، انگیزه بیرونی برای یادگیری و تعالی در تعلیم. تأکید داشته است. یادگیری مداوم معلمان در مدرسه و در طی دوران خدمت، که نوعی یادگیری سازمانی محسوب می شود، دارای مزایای بسیاری است از جمله:

- افزایش تعهد کاری

- ایجاد ذهنیت رشد یافته

- افزایش خلاقیت و نوآوری

- بهبود انگیزه

- همگام شدن با تغییرات سریع فن آوری

- ترویج رهبری و هوش هیجانی است (۱۱).

### ۳- سازنده گرایی

سازنده گرایی مفهومی عام است که برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد. برای برخی به عنوان فلسفه مطرح است درحالیکه برای برخی دیگر به عنوان نظریه یادگیری یا مدلی برای یادگیری مطرح می شود و برای افرادی شاخه ای از روان شناسی می باشد. در

<sup>1</sup> Holly & Southworth

2 Barnett

معنای لغوی (to construct) از کلمه لاتین (construere) می آید که به معنی مرتب کردن و یا ساختار دادن و سازماندهی کردن است (۱۲).

جهت بررسی مبانی نظری سازنده گرایی، لازم است رویکرد شناختی و سازنده گرایی مورد بررسی و مقایسه قرار بگیرد. در رویکرد شناختی فرایندهای شناختی بیشتر مورد توجه است. از جمله ادراک، سازمان دهی، درک معنی که مستقیماً قابل مشاهده نیستند. به باور روان شناسان شناختی، یادگیرنده در نتیجه یادگیری در ذهن یا حافظه خود یک ساخت شناختی تشکیل می دهد که در آن اطلاعات مربوط به رویدادهای مختلف نگهداری و سازمان دهی می شود. از نظریه های شناختی مهم می توان به نظریه های گشتالت، یادگیری معنادار و نظریه شناختی اجتماعی نام برد (۱۳).

در نظریه گشتالت، عنصر اصلی رسیدن به بینش است. یادگیرنده وقتی به بینش دست می یابد که بتواند از طریق درک روابط میان اجزای موقعیت یادگیری به صورت یک کل سازمان یافته به تمامیت آن موقعیت پی ببرد. در نظریه یادگیری معنادار آزرول. ساخت شناختی و تغییراتی که بر اثر یادگیری در آن صورت می گیرد، اساس یادگیری را تشکیل می دهد. در این نظریه ساخت شناختی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم های سازمان یافته ای که فرد قبلاً در یکی از رشته های دانش آموخته است. و به طور کلی یادگیری از راه ایجاد ارتباط بین مطالب تازه و مطالب قبلاً آموخته شده، ایجاد می شود نظریه شناختی اجتماعی مبتنی بر یادگیری از راه مشاهده است دارای جنبه رفتاری و شناختی است. در این نظریه هم بر تقویت و تشبیه وهم بر فرایندهای ذهنی تأکید شده است. سازنده گرایی مبتنی بر این عقیده است که دانش و مهم تر از آن ادراک توسط خود یادگیرنده ساخته می شود و درک فرایندهای ذهنی، دربرگیرنده توجه به ساختارهای مرتبط با دانش و ادراک است که این مسئله از اهمیت فراوانی برخوردار است (۱۴). رویکرد سازنده گرایی در دو دسته اصلی مورد مطالعه قرار می گیرد. اول نظریه روان شناسی سازنده گرایی، که افراد چگونگی حیات درونی و عناصر شناختی یا هیجانی خود را سازمان می دهند. فرایندهای سازنده گرایی هم زمان دریافت اطلاعات و وارد کردن آن ها به حافظه درازمدت و هم در جریان بازیافت از حافظه درازمدت و معنا کردن پدیده ها اتفاق می افتد. مورد دوم نظریه اجتماعی سازنده گرایی است که، عمدتاً کوشش های اجتماعی افراد برای دستیابی به معنا در محیط اجتماعی را مورد تأکید قرار می دهد. مطابق این نظریه، دانش فرد امری ذاتی و درونی نیست بلکه وابسته به زمان و مکان است که به وسیله ویگوتسکی ارائه شده که معتقد است یادگیری امری فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است و این یادگیری، یادگیری موقعیتی نامیده می شود.

به عقیده سازنده گرایان، یادگیرندگان واقعیت خویش را می سازند و یا حداقل آنرا مبتنی بر ادراک و تجربیات خود تفسیر می کنند. بنابراین دانش شخصی تابع تجربیات پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیر اشیاء و وقایع مورد استفاده قرار می گیرد. آنچه یک شخص می داند در ادراک از تجربیات فیزیکی و اجتماعی که به وسیله ذهن فهمیده می شود ریشه دارد (15).

اگر هر فرد دیدگاه خودش را درباره واقعیت داشته باشد، ما چگونه میتوانیم به عنوان افراد یک جامعه با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و یا همزیستی داشته باشیم؟ «شاید شایعترین استنباط نادرست از سازنده گرایی این باشد که هر یک از ما یک واقعیت بی همتا را می سازیم که آن واقعیت فقط در ذهن داننده است که این بدون شک به آنارشیسم ذهنی منجر می شود» (16). از دیگر نکات مورد نظر سازنده گرایان، یادگیری موقعیتی است. اگر به نظام آموزشی نگاهی انداخته شود به وضوح خواهیم دید که جدایی بین دانستن و نحوه انجام کار در محیط واقعی به طور سنتی در یادگیری مدارس و دانشگاهها به طور آشکارا وجود داشته است. به طور کلی مفروضات سازنده گرایی شامل موارد زیر است: ۱- دانش از تجربه ساخته می شود. ۲- یادگیری فرآیند تفسیر شخصی از جهان است. ۳- یادگیری فرآیندی فعال است که با ایجاد معنی مبتنی بر تجربه توسعه می یابد. ۴- یادگیری باید در محیطی واقعی باشد و آزمودن باید با تکلیف در هم تنیده شود نه اینکه یک فعالیت مجزا باشد.

#### ۴- یادگیری و نظریات یادگیری در رویکرد سازنده گرایی

ایده اصلی سازنده گرایی این است که یادگیری انسان ساخته می شود و یادگیرندگان دانش جدید را براساس یادگیری های قبلی می سازند. این دیدگاه از آنجا که تاکید بر مشارکت فعال یادگیرنده در فرآیند تسلط موثر بر موضوع یادگیری و به تبع آن نگرش مثبت به نسبت به یادگیری دارد کاملاً عکس دیدگاهی از یادگیری است که به انتقال منفعلانه اطلاعات از فردی به فرد دیگر می نگرد (۱۷). یا کاملاً عکس نظریه یادگیری عینیت گرایی است که در آن دانش بیرونی است وظیفه مربی انتقال این دانش به ذهن یادگیرنده است. از طرف دیگر نظریه سازنده گرایی بر یادگیری وابسته به شرایط و موقعیت و فرایند یادگیری تأکید می کند. این نظریه معتقد است جهانی که یادگیرنده تجربه می کند و می سازد (تعامل فرد و جهان) مهم است. در کلاس درس نیز تعامل در هر جهتی بین معلمان و یادگیرندگان در فرآیند یادگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بروکس اظهار می دارد که از زمانی که انسانها شروع به سوال کردن از یکدیگر کردند کلاس های سازنده گرایی شروع شدند. ریشه فلسفی این نظریه به کارهای سقراط و افلاطون و ارسطو برمی گردد که در نظریات فلسفی قرن های اخیر ظاهر شده و به صورت سازنده گرایی درون زاد، سازنده گرایی برون زاد، سازنده گرایی دیالکتیکی و سازنده گرایی رادیکال و ... بروز پیدا کردند. ظهور این مبحث به عنوان یک گفتمان روانشناختی مربوط به اواخر قرن بیستم و حاصل تلاش افرادی همچون دیویی، پیاز، برونر و ویگوتسکی است که به عنوان معماران این نظریه در این حوزه به شمار می روند (۱۸).

با این توصیف، چندین دهه است که نظریه یادگیری جدیدی با عنوان سازنده گرایی که ریشه در عصر پست مدرن و اصلاحات اجتماعی دارد، در درون پارادایم شناختی دیده می شود (۱۹). این دیدگاه به عنوان بخشی از جنبش شناختی، نظریه ای انقلابی نیست بلکه، از تحقیقات روان شناسی شناختی اخذ شده و بیانگر عدم رضایت از تعلیم و تربیت سنتی است که متاثر از دیدگاه رفتارگرایی است. علیرغم شباهت هایی که شناخت گرایی با سازنده گرایی در مفاهیمی همچون طرحواره، پیوندگرایی، ابرسانه و چندرسانه ای دارد لیکن، در شناخت گرایی جنبه عینیت گرایی بیشتر است که جلوه بارز آن را می توان در مدل های رویکرد سیستمی در طراحی آموزشی دید. از دید کوبرن یکی از دلایل اولیه جایگزینی سریع سازنده گرایی به جای نظریه رشد شناختی ایجاد بنیانی برای تحقیقات و روشهای عملی آموزش علوم است.

#### ۵- نتیجه گیری

نتایج بررسی ابعاد به دست آمده به منظور برآزش الگوی فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده گرایی، نشان داد که نتایج و ابعاد حاصل از آن دارای خصوصیات روان سنجی مناسبی است. بررسی فرهنگ یادگیری و نقش آن در مدرسه ها از موضوعات در حال رشد در ادبیات آموزشی است. همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی، تعریف واضح، همه پسند و هماهنگ از فرهنگ یادگیری در مدرسه وجود ندارد. از این رو می توان گفت که، فرهنگ هم محصول و هم فرایند است. فرهنگ به عنوان یک محصول، تجسم آگاهی متراکم از اعضای گذشته سازمان است، اما فرهنگ به عنوان یک فرایند به طور مستمر تجدید شده و به وسیله اعضای جدید که راه های قدیمی را طی می کنند، دوباره خلق می شود. ایده اصلی سازنده گرایی این است که دانش به عنوان فرایند و نه محصول، امری موقتی، رشدی، اجتماعی، فرهنگی و غیرعینی بوده، خلق کردنی است به جای کسب کردنی و توسط فرد و از طریق تعامل او با محیط و کسب تجربه به صورت انفرادی یا اجتماعی ساخته می شود. معانی که ساخته می شوند، می تواند به تعداد افراد، متنوع باشند، در نتیجه دستیابی به یک معنای از قبل تعیین شده صحیح، امکان پذیر نخواهد بود.

از آنجا که در سازنده گرایی فرض وجود واقعیت عینی و مستقل از یادگیرنده منتفی است، لذا صحت این فرض نیز که یادگیرنده از راه یادگیری، نسخه ای از این جهان را به ذهن خود می سپارد، بخودی خود رد می شود. پیروان این نظریه معتقدند که یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود دانش را فعالانه می سازند. یادگیری نیز حضور فعال یادگیرنده در جریان ساخت معرفت فرض می شود. چنین یادگیری امری زمینه ای یا موقعیتی، آگاهانه و اختیاری است. سازنده گرایان در ضدیت با رفتارگرایان و با

تاکید بر یادگیرنده محوری پیشنهاد می کنند که باید دانش آموزان را تشویق کرد تا با درگیر شدن باتکالیف اصیل یا واقعی به یادگیری بپردازند. چنین تکالیفی با زندگی واقعی و عملی آنها در ارتباط است.

#### ۶-منابع

- 1.Mohammadi, Mehdi et al. (۲۰۲۰). "Relationship between teachers' perceptions of school culture and their innovative adaptation to the use of information and communication technology in the teaching-learning process", Quarterly Journal of Educational Innovation, No. 1, Year 11, pp. 85-72. [Persian]
- 2.Barnett, R. (2001). Learning to work and working to learn. In *Supporting lifelong learning* (pp. 17-30).]
- 3.Talepasand, Siavash, Jamshidi, Rouini Thani, Laleh Farzaneh. 1394. The moderating role of school size in relation to school culture with students' academic achievement, bi-monthly journal of education and learning research, Twelfth Year No. 2 (Fall and Winter 2015), pp. 79-88[Persian]
- 4.Habibi, Hamdaleh, et al. (۱۳۹۲). Investigating the "learning-oriented" atmosphere of the school and its relationship with school effectiveness , Bi-Quarterly Journal of Teaching and Learning Research, 33 (20), 119–101. [Persian].
- 5.Carpenter, D. (2015). School culture and leadership of professional learning communities. *International Journal of Educational Management*, 29(5), 682-694.
- 6.Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction by basing practice on validated theory. *Journal on Excellence in University Teaching*, 25(4), 1-26.
- 7.von Glasersfeld, E. (1992). A constructivist's view of learning and teaching. *Research in physics learning: Theoretical issues and empirical studies*, 29-39.
- 8.Zali, Mohammad Reza (1383). Interaction of culture and organizational learning. Mesbah Scientific Research Quarterly. Imam Hossein University Press. Thirteenth Year, No. 51. [Persian]..
- 9.McGovern, K. (2014). Greenhouse Schools in Boston: School Leadership Practices across a High-Performing Charter Sector. *TNTP*.
- 11.Saeed Mahmoudabadi, Fatemeh; Mahmoudi, Medina and Azizinejad, Bahareh (2015). Investigating the Relationship between the Components of Teacher Learning Culture and Students' Academic Achievement, 3rd International Conference on Applied Research in Management and Accounting, Tehran, Shahid Beheshti University. [Persian]..
- 2.Britt, A., (2015). Greenhouse Schools: How Schools Can Build Cultures Where Teachers and Students. *Thrive Australian Journal of Teacher Education*.
- 13.Rouini Thani Farzaneh, Tale Pasand Siavash, Jamshidi Laleh .. (1394). The moderating role of school size in the relationship between school culture and students' academic achievement, bi-monthly journal of education and learning research. 2 (7): 88-79 . . [Persian]
- 14.Mc Donnell E, Hevey D, McCauley M, Ducray KN. Exploration of associations between early maladaptive schemas, impaired emotional regulation, coping strategies and resilience in opioid dependent poly-drug users. *Subst Use Misuse*.

2018;53(14):2320-9.

15.Haiyan, Q., Walker, A., & Xiaowei, Y. (2017). Building and leading a learning culture among teachers: A case study of a Shanghai primary school. *Educational Management Administration & Leadership*, 45(1), 101-122.

16.Mafakheri, Shahab. (1396). Comparison of the effect of constructivist and traditional teaching methods on learning thinking and lifestyle and social adjustment of seventh grade male students in Sanandaj in the academic year 2016-2017. Master Thesis. Field of Psychology-Educational Psychology. Faculty of Literature and Humanities. Urmia University. [Persian].

17.Johnston,R.,&Hawke, G. (2002). Case – studies of organisations with established learning cultures. Leabrook/Australia:National Centre for Vocational Education Research (NCVER)..

18.Odundo, P. A., & Gunga, S. O. (2013). Effects of application of instructional methods on learner achievement in business studies in secondary schools in Kenya. *International Journal of Education and research*, 1(5), 1-22.